

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

خانم مریم بناهان قمی رساله واحدی خود را با عنوان: تبیین میانی فلسفی مرجعیت زادیی در تربیت اخلاقی (با تأکید بر رویکرد پساساختارگرا) و نقد آن از منظر تعالیم و حیانی اسلام با تکیه بر آرای علامه طباطبایی (ره)

در تاریخ دوشنبه 21/ اسفندماه 1391 ارائه کردند.

اعضای هیات داوران نسخه نهایی این رساله را از نظر فرم و محتوا تایید کرده است و پذیرش آنرا برای

تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می کنند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
1- استاد راهنمای اصلی	دکتر محسن ایمانی	استادیار	
2- استاد راهنمای دوم			
3- استاد مشاور اول	دکتر سید مهدی سجادی	دانشیار	
4- استاد مشاور دوم	دکتر علیرضا صادق زاده قمصری	استادیار	
5- استاد ناظر	دکتر رضا اکبریان	استاد	
6- استاد ناظر	دکتر محمدرضا شرفی	دانشیار	
7- استاد ناظر	دکتر شهین ایروانی	استادیار	
8- استاد ناظر	دکتر محمد حسینی	استادیار	
9- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی	دکتر رضا اکبریان	استاد	



دانشکده علوم انسانی

رساله دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت

تبیین مبانی فلسفی "مرجعیت زدایی در تربیت اخلاقی" (با تأکید بر دیدگاه
پساساختارگرا) و نقد آن از منظر تعالیم و حیانی اسلام با تکیه بر آرای علامه
طباطبائی (ره)

نام دانشجو:

مریم بناهان قمی

استاد راهنما:

دکتر محسن ایمانی

اساتید مشاور:

دکتر سید مهدی سجادی و دکتر علیرضا صادق زاده قمصری

اسفندماه ۱۳۹۱

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته است که در سال

در دانشکده دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر

، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر از آن

دفاع شده است.»

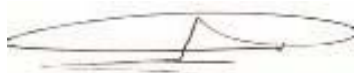
ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید. ماده ۶:

اینجناب **مریم بناهان قمی** دانشجوی رشته **فلسفه تعلیم و تربیت** مقطع **دکتری** تعهد فوق و ضمانت

اجرای آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.



نام و نام خانوادگی: **مریم بناهان** تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۱ امضا:

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد. تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

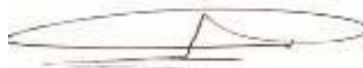
ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب.....**مریم بناهان قمی**.....دانشجوی رشته.....**فلسفه تعلیم و تربیت**..... ورودی سال تحصیلی.....**۱۳۸۷**.....»

مقطع.....**دکتری**..... دانشکده.....**علوم انسانی**..... متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضاء: **مریم بناهان**

تاریخ: **۱۳۹۲/۱/۲۱**



تقدیر به ینستگاه مقدس حضرت ولی

عصر (عج)

و

روح بلند و ملکوتی حضرت معصومه

(س)

حمد بی حمد بر خرداوند بکتا، که هیچ دانه ای را ظرف مناسب تقدیر و
سیاست نیافت. خرداوند را بنده خود را بیخوش که معترف از درباری
لطف و رحمت بیکرانست، زبانی الکر از شکر آورده است و کلامی
ندارد جز اینکه بگوید: الحمد لله (الذی اعطی بالقلیل کثیر

تلمذ در محضر استاد، افتخاری است فراموش نشدنی و خاطره ای همیشه
شیرین است؛ این ورق از دفتر زندگی ام را بسیار عزیز می دارم و هر کلام
آن را به قدر وسع برای ابد تقدیر می نمایم. از زحمات و مساعی اساتید
محترم جناب آقای دکتر محسن ایمانی که سمت راهنمایی رساله را به عهده
داشتند و آقایان دکتر سید مهدی سجادی و دکتر علیرضا صادق زاده قمصری
در سمت مشاورین این رساله کمال سپاسگزاری و تشکر داشته و افزونی
توفیقات شان را از پیشگاه خداوند متعال خواستارم.

لطفشان پیوسته مزید امتنان باد.

چکیده:

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران علوم انسانی و اجتماعی، مهم‌ترین معضل انسانی قرن حاضر شیوع مشکلات و ناهنجاری های اخلاقی است که دامنگیر جوامع بشری شده است. این پژوهش به هدف بازشناسی مبانی فلسفی موجد بحران اخلاقی، بر مسئله مرجعیت زدایی اخلاقی پساساختارگرا متمرکز شده است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی - استنباطی و با نگاهی تبارشناختی سعی بر آن داشته است که ریشه ها و منشأ نظرات پساساختارگرایی در باره مرجعیت در اخلاق را در رویکردهای سلف - به هدف یافتن دلایل کانونی برناختن مرجعیت در اخلاق - جستجو نماید. این مهم با بررسی نگاه به مرجعیت در سه دوره تاریخی پیش مدرن، مدرن و پسامدرن آغاز گردید؛ و در دو بخش: رویکردهای فکری زمینه ساز اندیشه مرجعیت زدایی اخلاقی؛ و نگرش های ارزشی موجد اندیشه مرجعیت زدایی اخلاقی پی گرفته شد. نتیجه به دست آمده حاکی از آن است که پساساختارگرایی با اتکای بر پیش فرض های: کثرت گرایی، شک و تردید، قدرت ستیزی، تحدید - ناپذیری، زمینه بروز مرجعیت زدایی از اخلاق را فراهم آورده است. بخش دیگر این پژوهش تبیین نگاه اسلامی به مرجعیت اخلاقی و نقد مرجعیت زدایی اخلاقی پساساختارگرا از منظر تعالیم اسلامی با تکیه بر آرای علامه طباطبایی بوده است. در این بخش ابتدا تصریح شد که اسلام مرجعیت اصول اخلاقی را بر مبنای اصول اعتقادی توحیدی می پذیرد. پس از معرفی صور سه گانه مرجعیت (ایده، شخص و متن) و بیان تناظر هر یک از این صور، با یکی از ارکان مرجعیت اخلاقی در اسلام، و نیز عناصر تربیت اخلاقی؛ نقد مرجعیت زدایی اخلاقی پساساختارگرا از منظر موافقین رویکرد مرجعیت زدایی اخلاقی و پس از آن از منظر مخالفین مرجعیت زدایی اخلاقی در قالب نقد درونی؛ و سپس نقد بیرونی شامل: نقد مبانی فلسفی پساساختارگرا و نقد مؤلفه های مرجعیت، از منظر اسلامی انجام شد. نتایج حاصل از پژوهش در حوزه اسلامی آشکار می کند که مرجعیت اخلاقی مورد نظر اسلام در "اصول اخلاقی" مرجعیتی مطلق؛ و در "احکام و مصادیق"، مرجعیتی معتدل و قابل انعطاف؛ اما مشروط به عدم خروج از مدار مرجعیت توحیدی است.

واژگان کلیدی: مرجعیت زدایی اخلاقی، پساساختارگرایی، صور مرجعیت اخلاقی، تربیت اخلاقی،

مرجعیت توحیدی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات پژوهش
۱	مقدمه
۶	۱-۱- بیان مسأله
۹	۱-۲- سوالات تحقیق
۱۰	۱-۳- ضرورت تحقیق
۱۱	۱-۴- اهداف تحقیق
۱۲	۱-۵- روش شناسی تحقیق
۱۵	۱-۶- جنبه نوآوری
۱۶	۱-۷- مفاهیم کلیدی
	فصل دوم: ادبیات پژوهش
۱۹	مقدمه
۲۱	۱-۲- تحلیل مفاهیم
۲۱	۱-۱-۲- مفهوم شناسی واژه مرجعیت
۲۳	۱-۲-۲- مفهوم مرجعیت از منظر اجتماعی- سیاسی
۲۶	۱-۲-۳- مفهوم شناسی واژه اخلاق
۲۸	۱-۳-۱-۲- ارزش ها بنیان اخلاق

۳۸ ۲-۳-۱-۲- جایگاه مرجعیت در رویکردهای مختلف به منشأ اخلاقیات
۴۴ ۴-۱-۲- تربیت اخلاقی
۴۷ ۲-۲- مرجعیت اخلاقی در بستر تاریخ
۴۹ ۱-۲-۲- مرجعیت اخلاقی در دوران پیش مدرن
۵۵ ۲-۲-۲- مرجعیت اخلاقی در دوران مدرن
۶۰ ۱-۲-۲-۲- آگرستانسیالیسم و مرجعیت اخلاقی
۶۲ ۲-۲-۲-۲- پراگماتیسم و مرجعیت اخلاقی
۶۶ ۳-۲-۲- مرجعیت اخلاقی در دوران پسامدرن
۶۶ ۱-۳-۲-۲- پست مدرنیسم و مرجعیت اخلاقی
۶۹ ۲-۳-۲-۲- پاساساختارگرایی و مرجعیت اخلاقی
۷۱ ۱-۲-۳-۲-۲- شالوده شکنی از مرجعیت
۷۲ ۲-۲-۳-۲-۲- مرجعیت زدایی از متن و معنا
۷۶ ۳-۲-۳-۲- صور سه گانه مرجعیت در اخلاق
۷۶ ۱-۳-۲- ایده
۷۹ ۲-۳-۲- متن و شخص
۸۱ ۳-۳-۲- حوزه های ظهور صور مرجعیت در اخلاق
۸۳ ۴-۲- اسلام و مرجعیت اخلاقی
۸۸ ۵-۲- پیشینه پژوهش
۸۷ ۱-۵-۲- پیشینه داخلی
۸۸ ۲-۵-۲- پیشینه خارجی

فصل سوم: مبانی فلسفی مرجعیت زدایی اخلاقی پسااخترارگرا

۹۶ مقدمه
۹۷ ۱-۳- رویکرد نظری پسااخترارگرایی
۱۰۲ ۱-۱-۳- مبانی فلسفی رویکرد پسااخترارگرایی
۱۰۲ ۱-۱-۱-۳- هستی شناسی پسااخترارگرا
۱۰۵ ۲-۱-۱-۳- معرفت شناسی پسااخترارگرا
۱۰۷ ۳-۱-۱-۳- انسان شناسی پسااخترارگرا
۱۰۹ ۴-۱-۱-۳- ارزش شناسی پسااخترارگرا
۱۱۱ ۲-۳- مبانی فلسفی مرجعیت زدایی از اخلاق
۱۱۱ ۱-۲-۳- نهضت های فکری زمینه ساز اندیشه مرجعیت زدایی پسااخترارگرا
۱۱۲ ۱-۱-۲-۳- اومانیسیم و مرجعیت زدایی
۱۱۷ ۱-۱-۲-۳- اومانیسیم و شک گرایی
۱۲۲ ۲-۱-۲-۳- اومانیسیم و پوچ گرایی
۱۲۵ ۲-۱-۲-۳- لیبرالیسم و مرجعیت زدایی
۱۲۷ ۳-۱-۲-۳- آنارشیسم و مرجعیت زدایی
۱۳۱ ۴-۱-۲-۳- سکولاریسم و مرجعیت زدایی
۱۳۵ ۲-۲-۳- رویکرد های ارزشی موجد اندیشه مرجعیت زدایی
۱۳۵ ۱-۲-۲-۳- کثرت گرایی ارزشی
۱۳۹ ۲-۲-۲-۳- نسبی گرایی ارزشی
۱۴۳ ۳-۲-۲-۳- سودمندگرایی

- ۳-۳- پیش فرض های اندیشه مرجعیت زدایی اخلاقی پساساختارگرا ۱۴۵
- ۳-۳-۱- تربیت اخلاقی پساساختارگرا با ابتدای بر پیش فرض های مرجعیت زدایی اخلاقی ... ۱۴۷
- ۳-۴- مؤلفه های اساسی مرجعیت زدایی اخلاقی پساساختارگرا ۱۴۹
- ۳-۴-۱- مؤلفه نفی قواعد بنیادی و کلی ۱۴۹
- ۳-۴-۲- مؤلفه وارونگی و نفی تقابل های دوگانه ۱۵۰
- ۳-۴-۳- مؤلفه گسست و عدم تداوم ۱۵۰
- ۳-۴-۴- مؤلفه ناهمگونی و مغایرت ۱۵۱
- ۳-۴-۵- مؤلفه ابداع گرایی ۱۵۱
- ۳-۴-۶- مؤلفه ابهام و پیچیدگی ۱۵۲
- ۳-۴-۷- مؤلفه نظارت گریزی ۱۵۳
- ۳-۴-۸- مؤلفه خطاگرایی ۱۵۳
- ۳-۴-۹- مؤلفه نام گرایی ۱۵۴
- ۳-۴-۱۰- مؤلفه ضدبازنمایی گرایی ۱۵۴

فصل چهارم:

بخش اول: حدود و ثغور و نقش مرجعیت در تربیت اخلاقی از منظر تعالیم اسلام

- مقدمه ۱۵۶
- مقدمه تکمیلی: رابطه دین و اخلاق در اسلام ۱۵۷
- ۴-۱- حدود و ثغور مرجعیت در تربیت اخلاقی از منظر اسلامی ۱۶۲
- ۴-۱-۱- اصول اعتقادی اسلام و مرجعیت اخلاقی ۱۶۳

- ۱۶۵ ۱-۱-۱-۴- اصل توحید و مرجعیت اخلاقی
- ۱۶۷ ۱-۱-۱-۴- فطرت توحیدی زمینه پذیرش مرجعیت اخلاقی
- ۱۷۰ ۲-۱-۱-۴- آزادی و اختیار و مرجعیت اخلاقی
- ۱۷۴ ۲-۱-۱-۴- اصل نبوت و مرجعیت اخلاقی
- ۱۷۹ ۱-۲-۱-۴- نبوت، هدایت، مرجعیت
- ۱۸۲ ۳-۱-۱-۴- اصل معاد و مرجعیت اخلاقی
- ۱۸۵ ۲-۱-۴- اصول اخلاقی اسلام و مرجعیت در تربیت اخلاقی
- ۱۸۵ ۱-۲-۱-۴- ضرورت اخلاق و تربیت اخلاقی
- ۱۸۸ ۱-۱-۲-۱-۴- ویژگی های فردی انسان
- ۱۹۰ ۲-۱-۲-۱-۴- ویژگی های اجتماعی انسان
- ۱۹۲ ۲-۲-۱-۴- ثبات و تغییر اصول اخلاقی در اسلام
- ۱۹۴ ۱-۲-۲-۱-۴- ادراکات اعتباری و مرجعیت اخلاقی
- ۱۹۸ ۲-۲-۲-۱-۴- حسن و قبح
- ۲۰۲ ۳-۲-۲-۱-۴- ثابت و متغیر
- ۲۰۵ ۲-۴- نقش مرجعیت در تربیت اخلاقی از منظر اسلامی: صور مرجعیت اخلاقی
- ۲۰۶ ۱-۲-۴- مرجعیت اخلاقی در شکل ایده: مرجعیت توحید
- ۲۰۸ ۲-۲-۴- مرجعیت اخلاقی در شکل متن: مرجعیت قرآن
- ۲۱۱ ۳-۲-۴- مرجعیت اخلاقی در شکل شخص: مرجعیت نبی

فصل چهارم:

بخش دوم: نقد مرجعیت زدایی اخلاقی از منظر تعالیم اسلامی

- ۲۱۵ ۳-۴- بررسی انتقادی مرجعیت زدایی اخلاقی پسااخترارگرا
- ۲۱۶ ۱-۳-۴- نکات مثبت مرجعیت زدایی اخلاقی پسااخترارگرا
- ۲۱۸ ۲-۳-۴- نکات منفی مرجعیت زدایی اخلاقی پسااخترارگرا
- ۲۱۸ ۱-۲-۳-۴- مرجعیت زدایی اخلاقی پسااخترارگرا از منظر برخی نقدهای وارده
- ۲۲۲ ۲-۲-۳-۴- نقد مرجعیت زدایی اخلاقی پسااخترارگرا از منظر تعالیم اسلامی
- ۲۲۲ ۱-۲-۲-۳-۴- نقد درونی مرجعیت زدایی اخلاقی پسااخترارگرا
- ۲۲۴ ۲-۲-۲-۳-۴- نقد بیرونی مرجعیت زدایی اخلاقی پسااخترارگرا
- ۲۲۴ ۱-۲-۲-۲-۳-۴- نقد مبانی فلسفی مرجعیت زدایی اخلاقی از منظر مبانی فلسفی اسلام
- ۲-۲-۲-۲-۳-۴- نقد مؤلفه های مرجعیت زدایی اخلاقی از منظر مؤلفه های
- ۲۲۸ مرجعیت پذیری اخلاقی
- ۲۳۰ ۱-۲-۲-۲-۲-۳-۴- مؤلفه مشروعیت بخشی: ایمان
- ۲۳۱ ۲-۲-۲-۲-۲-۳-۴- مؤلفه مطلوبیت بخشی: محبت
- ۲۳۲ ۳-۲-۲-۲-۲-۳-۴- مؤلفه شاکله آفرینی
- ۲۳۴ ۴-۲-۲-۲-۲-۳-۴- مؤلفه تعهدآفرینی
- ۲۳۵ ۵-۲-۲-۲-۲-۳-۴- مؤلفه الگوپذیری
- ۲۳۷ ۶-۲-۲-۲-۲-۳-۴- مؤلفه تکلیف آفرینی
- ۲۳۹ ۷-۲-۲-۲-۲-۳-۴- مؤلفه اقناع کنندگی
- ۲۴۰ ۸-۲-۲-۲-۲-۳-۴- مؤلفه همگرایی

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

۲۴۴ مقدمه
۲۴۵ پاسخ به سؤالات پژوهشی
۲۴۵ ۱-۵- سؤال اول
۲۵۳ ۲-۵- سؤال دوم
۲۵۹ ۳-۵- سؤال سوم
۲۶۱ ۴-۵- پیشنهادات
۲۶۱ ۱-۴-۵- پیشنهادهای کاربردی
۲۶۲ ۲-۴-۵- پیشنهادهای پژوهشی
۲۶۴ ۵-۵- محدودیت های پژوهش

منابع و مآخذ

۲۶۶ فهرست منابع فارسی (منابع کتابی)
۲۷۱ فهرست منابع فارسی (منابع غیر کتابی)
۲۷۳ فهرست منابع لاتین

چکیده انگلیسی

فهرست جداول داخل متن:

۵۴ جدول (۱-۲) مرجعیت اخلاقی در دوران پیش مدرن
۶۵ جدول (۲-۲) مرجعیت اخلاقی در دوران مدرن
۷۵ جدول (۳-۲) مرجعیت اخلاقی در دوران پسامدرن

فهرست تصاویر داخل متن:

- تصویر ۱-۳) فرایند شکل‌گیری اندیشه مرجعیت زدایی اخلاقی پسااخترارگرا از ریشه اومانیسیم ۱۳۵
- تصویر ۲-۳) پیش فرض‌های مرجعیت زدایی اخلاقی پسااخترارگرا ۱۴۶
- تصویر ۳-۳) مؤلفه‌های مرجعیت زدایی اخلاقی پسااخترارگرا در یک نگاه ۱۵۵
- تصویر ۱-۴) پذیرش مرجعیت بر مبنای فطرت سلیم ۱۶۹
- تصویر ۲-۴) محوریت اصل توحید در اصول اعتقادی اسلام و مرجعیت مطلق توحیدی ۱۸۵
- تصویر ۳-۴) صور مرجعیت اخلاقی از منظر اسلامی در تطبیق با عناصر تربیت اخلاقی ۲۱۵
- تصویر ۴-۴) پیش فرض‌های مرجعیت‌پذیری اخلاقی از منظر اسلامی ۲۳۰
- تصویر ۵-۴) مؤلفه‌های مرجعیت‌پذیری اخلاقی از منظر اسلامی در یک نگاه ۲۴۱

فصل اول

کلیات پژوهش

بیان مسأله

سؤالات تحقیق

اهداف تحقیق

ضرورت تحقیق

روش شناسی تحقیق

مفاهیم کلیدی

مقدمه:

با وجود پیشرفت های چشمگیر و روزافزون علم و تکنولوژی که نشانه شکوفایی توانمندی های غیر قابل تردید بشری است؛ هر روز بیش از پیش دستیابی به، «آرمان شهر^۱» موعود، به توهم و خیال نزدیک تر می شود. گسترش رویکردهای انسان گرایانه اگرچه به مدد علوم مختلف ابزارهای تسلط بر طبیعت را در اختیار آدمی گذاشته؛ راه نفوذ به دنیای ذره و اتم را یافته؛ و از تحولات درون دوردست ترین انجم آگاه گردانیده است؛ به همان میزان او را از خود انسانی اش دور ساخته است. عصر نوسازی به همراه تمامی موفقیت های علمی و تکنولوژیکی و پیشرفت مادی، ثابت کرد که آسایشی متناقض به همراه آورده است؛ و حاصل آن بحران ارزش ها و فقدان و نقض اصول اساسی است که اینک با نام «بی نظمی عمومی، هرج و مرج و آشوب^۲» مطرح می شود. وضعیتی که به وضوح با افسردگی، افزایش موارد اختلالات روانی، خودکشی، طلاق، سقط جنین، بی حرمتی بزرگسالان، مدرسه گریزی، لذت طلبی، روابط غیرطبیعی میان همجنس، استفاده از مواد مخدر و قرص های روان گردان در میان دانش آموزان، استفاده نادرست و مخرب از رسانه های جدید چون تلفن همراه، رایانه، اینترنت و ماهواره، افزایش جنایت به همراه پایین آمدن سن ارتکاب به جرائم، و ... در کنار بی تفاوتی جهانی نسبت به معضلاتی هم چون «مرگ یک انسان در هر چهارثانیه بر اثر گرسنگی، محرومیت یک بلیون نفر از آب آشامیدنی مناسب، و یا مرگ ۸۰۰ میلیون نفر از قحطی» (Pajaziti: 2010) تنها گوشه کوچکی از موارد عدیده و بیشماری است که نشانه بی هنجاری و بی نظمی^۳ و گسست میان هنجار و رفتار است که امروزه با شدت و ضعفی متفاوت مبتلا به تمامی جوامع انسانی است. هنجارها تعدیل کننده رفتارها هستند؛ و بی

¹ - utopia

² - chaos

³ - anomy

هنجاری، ناشی از زدودن باور به مرجعیت ارزش‌هایی است که التزام به آنها عامل پایداری صفات انسانی است. اما مرجعیت زدایی به حوزه اخلاق و ارزش‌ها منحصر نمی‌شود؛ بلکه نفی اعتقاد به اصالت هرگونه قاعده کلی، ثابت، و فراگیر است که پایبندی به آن ضرورتی همگانی دارد. لذا مرجعیت زدایی را می‌توان یکی از عوامل مهم بروز معضلات اخلاقی مهمی دانست که زمینه شکل‌گیری بحران اخلاقی را در عصر حاضر فراهم آورده است.

انسان معاصر با وجود فراچنگ آوردن پیشرفته‌ترین علوم و تکنولوژی‌ها برخلاف پیش‌بینی مدرنیته نه تنها به سعادت نرسیده است که اینک بیش از هر زمان دیگر نشان از گمشده خویش می‌گیرد. از این-روست که به گفته الیزابت دادزول^۱ «موضوعات اساسی که تمدن امروزه با آن در ارتباط است آنهایی است که در خصوص اخلاق و اخلاقیات است.» (ibid) بحران مرجعیت‌زدایی اگرچه ریشه در فرهنگ و نهضت‌های فکری مغرب زمین دارد اما به مدد پروژه «دهکده جهانی» به آن سرزمین و فرهنگ منحصر نشده و دامنه نفوذ آن به فرهنگ‌های دیگر و از آن میان به فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی ما نیز با شدت و معنایی متفاوت نفوذ کرده است. شاید بتوان گفت اندیشه مرجعیت‌زدایی در ایران آثاری به مراتب مخرب‌تر از زادگاه خود دارد. به جهت صبغه اسلامی فرهنگ ایران از یک سوی، و جایگاه ویژه مرجعیت در اسلام از دیگر سوی؛ مرجعیت‌زدایی معنایی گسترده‌تر می‌یابد و تأثیرات مخرب آن از حوزه اخلاق و ارزش‌ها گذشته به ساحت دین نیز وارد می‌شود.

بدان جهت که پژوهش حاضر بر محوریت اندیشه مرجعیت‌زدایی و نقد مبانی فلسفی آن صورت بندی شده است؛ لذا بایسته است که پس از ارائه تعریف مختاری از مرجعیت و ارائه تاریخچه موجزی از روند نضج‌گیری مرجعیت‌زدایی به بیان مسأله تحقیق بپردازیم.

با توجه به این که در نظریات فلسفی، مرجعیت‌زدایی با واژه anti-authoritarianism معادل گرفته شده است؛ و این واژه در زبان فارسی بیشتر به معنای نفی اقتدارگرایی ترجمه شده است؛ لازم به ذکر است که مرجعیت‌زدایی در این پژوهش مفهومی است برساخته از فحوای پاره‌ای مؤلفه‌های اندیشه‌های غربی بخصوص اندیشه پساساختارگرایی هم چون: ساختارشکنی، نفی فراواقعیت‌ها، تمرکز زدایی، نفی لوگوس محوری، نسبی‌گرایی، نفی تقدس‌گرایی، و سایر مؤلفه‌هایی که به نوعی اشاره دارد

¹ - Elisabeth Dodswell

به تکذیب و تردید نسبت به نقطه کانونی ارجاع که دارای ویژگی‌هایی چون، کلیت، سندیت، اعتبار، قداست، اقتدار، نفوذ، و ثبات است. با پذیرش مشروعیت و اصالت این نقطه کانونی تمامی اعمال و رفتار آدمی با معیار آن قابل سنجش می‌گردد. مرجعیت نقطه بازگشت است؛ بدین تعبیر که عامل، عمل خود- اعم از کنش، ایده و نظر - را در آینه آن ارزیابی می‌نماید و صحت و سقم؛ و زشت و زیبای عمل را در می‌یابد. با توجه به این تعریف، مرجع می‌تواند اعم از شخص، متن، و یا یک جهان بینی باشد. پس بدین سخن می‌توان اذعان داشت که مرجع ممکن است عینی، واقعی و حقیقی و یا ذهنی، و فردی باشد. اما «بنیان مرجعیت در اسلام را می‌توان در سه بخش مورد توجه قرار داد گفتار پیامبر به عنوان زبان وحی، کردار پیامبر به عنوان الگوی عملی، و کتاب قرآن به عنوان متن مقدس که قابل ارجاع بوده»^۱ (Singh: 2008) و هر سه مورد به جهت ارتباط با خداوند که یگانه مرجع امور است مشروعیت می‌یابند.

بررسی تبارشناسانه مفهوم مرجعیت حاکی از سه دوره تاریخی است. الف- دوره قرون وسطی که با حمایت همه جانبه از مرجعیت مطلقه کلیسا همراه بوده است. ب- دوره مدرنیسم که با نفی اقتدارگرایی کلیسا و نفی مرجعیت متافیزیک به سوی شکل معتدلی از مرجعیت حرکت کرده است و در واقع دوران تغییر مرجعیت هاست. آنطور که عقل و علم بشری به جای فلسفه و متافیزیک، انسان به جای خدا، و عینیت به جای ذهنیت بر مصدر قدرت، اقتدار و مرجعیت می‌نشیند. ج- دوران پسامدرنیسم که با نفی هرگونه کلیت به جنگ علیه مرجعیت برخاسته و هرگونه مرجعیت را به اتهام اطلاق، ثبات، قداست و سندیت محکوم می‌نماید. دورانی که با شکستن حریم مرجعیت واقعی، عینی و همگانی؛ انسان عصر حاضر را به سوی خود مرجعی^۲ هدایت نموده و با این ایده مبلغ اندیشه‌های تند نسبی‌گرایانه بوده است.

اگرچه دوران مدرنیسم را نمی‌توان دوران نفی کامل مرجعیت‌ها دانست، با نشان دادن عقل و علم بشری به جای متافیزیک و فلسفه به تدریج تغییر مرجعیت‌ها به شکلی محدود به مرجعیت زدایی به ویژه از حوزه دین و کتب مقدس - به عنوان واکنش نسبت به اقتدارطلبی و مطلق‌گرایی افراطی اربابان کلیسا - کشیده

^۱ - در اینجا ذکر این نکته دور از ضرورت نخواهد بود که در اسلام علاوه بر گفتار و کردار رسول اکرم (ص)، تقریرات آن حضرت نیز به عنوان مرجع قابل استناد است. تقریرات رفتارها و یا گفتارهایی است که در برابر حضرت انجام شده است و ایشان با سکوت خویش گویی آنها را تأیید نموده‌اند.

^۲ - self-referentiality